

[موضوع بحث در مفاهیم 1](#_Toc87202117)

[خلاصه فرمایش مرحوم آغا ضیا و اشکال استاد 1](#_Toc87202118)

[مفهوم داشتن جمله شرطیه 2](#_Toc87202119)

[مختار استاد 2](#_Toc87202120)

[مختار مرحوم آخوند 2](#_Toc87202121)

[مراحل چهارگانه برای اثبات مفهوم 2](#_Toc87202122)

[آسان بودن انکار مفهوم شرط 3](#_Toc87202123)

[نکته عبارتی در کلام مرحوم آخوند 3](#_Toc87202124)

[بررسی مرحله اول از مراحل چهارگانه 4](#_Toc87202125)

[معنای ادات در جمله شرطیه از منظر آخوند 4](#_Toc87202126)

[معنای ادات شرط از منظر حاج شیخ 4](#_Toc87202127)

[اشکال بر کلام حاج شیخ 4](#_Toc87202128)

**موضوع**: بررسی اقوال /مفهوم شرط /مفاهیم

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد تنقیح محل بحث مفاهیم از منظر مرحوم آخوند و مرحوم آغا ضیا در جلسه قبل تمام شد. استاد موافق با نظر مرحوم آخوند بود. در این جلسه از مفهوم جمله شرطیه بحث می­شود.

# موضوع بحث در مفاهیم

## خلاصه فرمایش مرحوم آغا ضیا و اشکال استاد

بحث در مورد فرمایش مرحوم آغا ضیا تمام شد. ایشان فرمود: ما در بحث مفاهیم دنبال عقد الحمل قضیه هستیم. بر خلاف مرحوم آخوند و دیگران. ظاهرا ایشان در این قول متفرد است. مرحوم آغا ضیا می­فرماید: باید ببینیم عقد الحمل ظهور در سنخ الحکم دارد تا مفهوم ثابت باشد یا نه.

به نظر ما مفهوم را مستند کردن به عقد الحمل، مفهوم را از عقد الحمل ما استظهار کنیم، خلاف ارتکاز است. مفهوم را از إن شرطیه یا هیئت می­فهیم.

اشکال دیگر ما این بود: عقد الوضع مورد تسالم است و جای بحث ندارد؛ چرا که هر قیدی که در خطاب بیاید، ظهور در دخالت دارد. هر چند ظاهر هر قیدی که در خطاب اخذ شود، دخیل در حکم است؛ اما این که دخالت آن به نحو انحصار است، صحیح نیست. لذا قائلین به مفهوم به سراغ مقدمات حکمت رفته اند تا انحصار شرط را ثابت کنند. دقت کنید، منبه خوبی برای این مطلب عبارت است از: از جمله کسانی که می­گویند ظاهر هر قیدی در خصوصیت است، منکر مفهوم شده­اند.

حرف ما این است: مرحوم آغا ضیا فرموده عقد الوضع جای بحث ندارد؛ چرا که تسالم است بر این که ظاهر هر قیدی این است که دخالت دارد. ما می­گوییم درست است؛ ولی معنایش این نیست که خصوصِ خصوصیت دخالت دارد. پس روش بحث، همان مطلبی است که مرحوم آخوند فرموده است. منشا مفهوم خصوصیتی است که در معنا و مستتبع مفهوم است. ما در این جمله ها دنبال این هستیم که دالی بر آن خصوصیت داریم یا نه؟

# مفهوم داشتن جمله شرطیه

مرحوم آخوند و دیگران از شرط شروع کرده­اند که در آن چنین دالی داریم یا نه؟ مشهور قائل هستند به این که جمله شرطیه مفهوم دارد. شاید در مقام عمل حتی سید مرتضی و مرحوم آخوند که در اصول منکر مفهوم جمله شرطیه شده است در فقه به مفهوم جمله شرطیه تمسک می­کنند. گمان نداریم در عمل، طبق اصول عمل کنند. نسوا ما بنوا فی الاصول. مرحوم آخوند در اصول هم یادش رفته و در بحث حجیت خبر واحد به مفهوم جمله شرطیه تمسک می­کند.

## مختار استاد

به نظر ما واضح است که جمله شرطیه مفهوم دارد و تسالم عملی بر این مطلب هست. این که ما بحث می­کنیم، یک بحث طلبه­ای است که چگونه به وجود می­آید و همچنین شبهه مرحوم سید مرتضی و مرحوم آخوند را جواب می­دهیم.

## مختار مرحوم آخوند

مرحوم آخوند در مقام انکار فرموده است: جمله شرطیه وقتی مفهوم دارد که وضعا یا به وسیله مقدمات حکمت بر خصوصیت مستتبع مفهوم بود، دلالت کند. آن خصوصیت عبارت است از ترتب جزاء بر شرط به نحو ترتب معلول بر علت منحصره.

### مراحل چهارگانه برای اثبات مفهوم

باید چهار امر ثابت شود تا این خصوصیت ثابت شود:

1. جمله شرطیه (ادات یا هیئت) باید دلالت کند بر این که بین آنها ملازمه وجود داشته باشد. اگر ترتب نباشد، مفهوم معنا ندارد. ان جائک زید فالحمار ناهق. ملازمه اتفاقی است. معنا ندارد بگوییم اگر زید نیاید، صدایش درنیاید.
2. جمله شرطیه باید دلالت بر این کند که جزاء مترتب بر شرط است. مجرد ملازمه و لزوم کافی نیست. مثل جایی که شرط معلول و جزاء علت است. ان کان الضوء موجودا فالشمس طالعه. طلوع شمس مترتب بر ضوء نیست بلکه بالعکس است. یا اینکه شرط و مشروط هر دو معلول برای علت ثالثه باشند. نکته این مطلب این است: اگر ترتب نباشد، دلالت بر مفهوم ندارد. لازمه اگر منتفی شد، علت معلوم نیست که منتفی باشد. یا مثلا اگر احتراق باشد نار موجود است. حالا اگر احتراق موجود نباشد، مفهومش این نیست که نار نیست شاید علت باشد و احتراق نباشد. یا فرض کنید آتش دو معلول دارد یکی نور و دیگری احتراق است. اگر مثلا احتراق نبود، دلیل نمی­شود که آتش هم نباشد. ممکن است یک معلول مانع داشته و دیگری مانع نداشته باشد.
3. اگر جزاء مترتب بر شرط باشد، باید به صورت علّی باشد. اگر به صورت علّی نباشد، با انتفای شرط ممکن است جزاء منتفی نشود. مثلا اگر کلید حرکت داده شود بالطبع باب مفتوح می­شود. اگر کلید حرکت داده نشود، ممکن است باز هم در مفتوح شود.
4. ترتب علّی باید به صورت منحصره باشد. اگر شرط علت باشد و جزاء هم معلول باشد، ولی شرط علت منحصره نباشد، انتفای علت، موجب انتفای جزاء نمی­شود؛ چرا که ممکن است عدل داشته باشد.

#### آسان بودن انکار مفهوم شرط

هر کدام از این چهار مورد منتفی بشود، آن خصوصیت هم منتفی می­شود. آن خصوصیت ترتب جزاء بر شرط به نحو علت منحصره است. لذا مرحوم آخوند گفته است: میدان انکار وسیع است؛ چرا که یکی از این چهار مورد انکار بشود، مفهوم منتفی می­شود؛ اما قائلین به مفهوم باید چهار خصوصیت را اثبات کنند. حالا این که مرحوم آخوند کدام مرحله را انکار می­کند بحثش می­آید.

### نکته عبارتی در کلام مرحوم آخوند

در کفایه مرحوم آخوند فرموده است: اگر جمله شرطیه بخواهد مفهوم داشته باشد، باید دلالت بر خصوصیة مستتبعه دلالت کند. بعد تعبیر به «لترتب» آمده است. برای ما مفهوم نشد؛ چرا که خصوصیت، مستتبع ترتب نیست. ترتب خودش خصوصیت است. به نظرم باید کالترتب باشد.

### بررسی مرحله اول از مراحل چهارگانه

مرحوم آخوند می­فرماید: ما مرحله اول را انکار نمی­کنیم. جمله شرطیه به حکم انسباق و تبادر دلالت بر مرحله اول می­کند. اتفاقی بودن خلاف ارتکاز است.

### معنای ادات در جمله شرطیه از منظر آخوند

به همین مناسبت حاج شیخ اصفهانی و دیگران معنای ادات شرط را بیان کرده­اند. ظاهر کلام مرحوم آخوند این است که ظاهر ادات شرط همان ربط بین جزاء و شرط است. مثلا إن آمده است تا بین فاکرمه و جائک زید یک ربطی برقرار کند. حالا ایجاد ربط یا تفهیم ربط، علی المبنا.

معنای ادات چیست؟ مرحوم آخوند فرموده است: بیان ملازمه بین ربط و جزاء، تعلیق جزاء بر شرط، تلازم.

### معنای ادات شرط از منظر حاج شیخ

مرحوم حاج شیخ اصفهانی فرموده است: معنای ادات این نیست. این ربط فاکرمه و جائک زید مربوط به ادات نیست، شما آنها را مرتبط کردید. فاء یا نحوه گفتار این ربط را بیان کرد. پس معنای إن چیست؟ مرحوم حاج شیخ فرموده است: معنای ادات شرط این است که مدخولش را از حقیقت و واقعیت اخراج می­کند و به فرض و تقدیر داخل می­کند. إن می­گوید مدخول من فرض شد. معنای اگر فارسی این است که فرضی است. اما اینکه جمله بعدی چه معنای دارد، کاری با آن ندارد. اصلا ممکن است جزاء نداشته باشد. نه اینکه در تقدیر باشد. مثلا شخصی می­گوید: ان جائنی زید اقتله. بعد ما می­گوییم ان جائک؛ یعنی اگر بیاید. می­خواهیم بگوییم نمی­آید. اگر قصد ما این بود که جزاء بیاوریم می­گفتیم ادبش کن و او را نَکُش. داعی ما این است که نمی­خواهیم تعلیق را بیان کنیم. فقط بیان شرط است. در مقام این هستیم که بگوییم نمی­آید که از جمله شرطیه به کار می­بریم. البته متکلم غالبا یک چیزی مترتب می­کند و معمولا هم با فاء آن را می­ساند و از عهده إن خارج است.

#### اشکال بر کلام حاج شیخ

بر این فرمایش مرحوم حاج شیخ اشکال شده است. بیان مطلب: لازمه این کلام که ادات شرط فقط فرضی کردن مدخول است و کاری با جزاء ندارد، این است که باید جزاء همیشه فعلی باشد. مرحوم آخوند می­گوید إن موجب ربط جزاء به شرط می­شود. شرط فعلی نیست و در نتیجه جزاء هم فعلی نیست؛ اما وقتی که حاج شیخ ربط را انکار می­کند لازمه اش این است که جزاء فعلی باشد. مثلا معنای ان جائک زید، فرضتُ مجیئَ زید است، وجوب اکرام باید فعلی باشد؛ چرا که فرض مجیئ زید شده است، با این که در جمله شرطیه مشهور می­گویند حکم جزاء قبل از آمدن شرط فعلیت ندارد. وجوب اکرام مشروط است و بالفعل نیست و حال آنکه مرحوم حاج شیخ مشروط بودن جزاء را قبول دارد.

این اشکال وارد نیست. ادامه بحث در جلسه آینده.